

ترامپ در سال آینده با خاورمیانه چه خواهد کرد؟ تمام کردن یک پروژه نا تمام

یادداشت

درگیری لفظی در ملاقات اخیر ترامپ و زلنسکی و پخش آن از شبکه‌های تلویزیونی، می‌تواند

بخشی از پاسخ به این سؤال مهم باشد که سیاست خارجی دولت دوم ترامپ چه خواهد بود؟ و سیاست خارجی این دوره با دوره اول چه تفاوت‌هایی خواهد داشت؟ آیا وی همچنان تحت تأثیر عوامل تندرو تیم سیاست خارجی اش و کم‌وبیش برخی متحدان تندرو آمریکا قرار خواهد داشت (همانند دوره اول ریاست جمهوری اش و دوره ریاست جمهوری بوش پسر) یا سیاستی مستقل و مبتنی بر برداشته‌ها و دیدگاه‌های شخصی اش را دنبال خواهد کرد؟ (همانند ریاست جمهوری ریگان)


در مورد نمایش تلویزیونی اخیر ترامپ، می‌شود گفت دو هدف مرتبط با هم از این نمایش تلویزیونی دنبال می‌شد: یکی انتقام از زلنسکی در ماجرای اوکراین گیت و دیگری فراهم کردن فضای توافق با روسیه از طریق درهم شکستن و خالی کردن پشت زلنسکی. در مورد انگیزه اول از طراحی نمایش تحقیر زلنسکی، وقتی ترامپ در دور اول ریاست جمهوری اش، زیر تیغ تند استیضاح بود و فکر می‌کرد شیشه عمرش با پرونده هانتز بایدن در دستان زلنسکی گره خورده است، از زلنسکی خواست علیه هانتز بایدن با وی همکاری کند. با این حال درخواست‌های التماس‌گونه ترامپ به زلنسکی برای فاش کردن پرونده فساد مالی هانتز بایدن نه تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه با فاش شدن این تلاش‌ها و تأیید آن توسط زلنسکی، اتهامات جدید و جدی‌تری موسوم به «اوکراین گیت» به اتهامات قبلی ترامپ (مبتنی بر دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶) اضافه کرد و باعث عملیاتی شدن فرآیند استیضاح وی

شد. به همین خاطر می‌شود گفت که ترامپ برای همیشه از زلنسکی متنفر است و رفتار زلنسکی را یکی از عوامل مهم تک‌دوره‌ای شدن دوره ریاست جمهوری قبلی اش می‌داند. به‌علاوه ترامپ در چهارچوب ذهنی اش همه چیز را نتیجه بازی قدرت‌های بزرگ (شامل آمریکا، چین و روسیه) می‌بیند و ارزش به‌مراتب کمتری برای بازیگرانی همچون اوکراین قائل است و شکستن سرسختی یا خودبزرگ‌بینی زلنسکی را یکی از لازمه‌های معامله قدرت‌های بزرگ می‌بیند و با تحقیر وی راه را برای معامله دوجانبه با روسیه باز می‌کند. در مورد گرایش مثبت ترامپ به روس‌ها، هرچند دلایل آن هنوز یک معماست، ولی از یک طرف ذهنیت ترامپ که همه چیز را بازی قدرت‌های بزرگ می‌بیند (از نظر وی آمریکا، چین و روسیه سه قدرت اصلی جهانی هستند) می‌تواند یکی از عوامل اصلی باشد. همچنین برخی دلیل روس‌دوستی ترامپ را دوستان صمیمی بساز و بفروش ترامپ در زمانی که به فعالیت‌های برج‌سازی در نیویورک مشغول بود، می‌دانند.

رفتار اخیر ترامپ با زلنسکی یکی از نشانه‌هایی است که ترامپ تصمیم گرفته است یک سیاست خارجی مبتنی بر دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و حتی عواطف خود را در دور دوم ریاست جمهوری دنبال کند و به توصیه‌ها و مخالفت‌های متحدان غربی آمریکا یا همین‌طور تیم سیاست خارجی اش توجه چندانی نخواهد کرد. این موضوع احتمالاً قابل تعمیم به بسیاری از حوزه‌های سیاست خارجی آمریکا از روسیه و چین گرفته تا خاورمیانه و ایران خواهد بود.

در این چهارچوب، قابل پیش‌بینی است که ترامپ دو اولویت و هدف اصلی را در عرصه سیاست خارجی دنبال خواهد کرد: اول، هدف سریع‌تر و در دسترس‌تر یعنی پایان دادن به جنگ اوکراین (صرف‌نظر از نحوه انجام معامله قرن) و دوم، هدف دورتر و دشوارتر یعنی ساله فلسطین) که پروژه‌ای ناتمام از دور اول ریاست جمهوری وی است. به سرانجام رساندن هر یک از این دو معامله، ترامپ را برای همیشه به یک اسطوره در تاریخ آمریکا و جهان تبدیل خواهد کرد و شاید به همین دلیل است که ترامپ عربستان را مکان مذاکرات با روسیه تعیین کرد؛ چرا که عربستان از دید ترامپ مهم‌ترین بازیگر معامله قرن مورد نظر وی است و شریک کردن عربستان در معامله اول، می‌تواند مشوق مهمی برای انجام معامله دوم و مهم‌تر باشد.

پروژه ناتمام معامله قرن هم یکی از بزرگ‌ترین اهداف ترامپ در دوران دوم ریاست جمهوری اش خواهد بود. ترامپ در ایام مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶، برخی صحبت‌های منفی راجع به کشورهای حاشیه خلیج فارس داشت، ولی بنا به گزارش‌های رسانه‌ای معتبر بعد از پیروزی در انتخابات توسط مقامات

امارات متحده عربی متقاعد شد که در ازای همکاری با این کشورها قادر خواهد بود به منازعه تاریخی خاورمیانه در رابطه با سرزمین‌های اشغالی فلسطین پایان دهد. با این حال آن را برای دوره دوم ریاست جمهوری اش (که به دوره میراث‌سازی رؤسای جمهوری مشهور است) هدف‌گذاری کرده بود. پس از شکست در انتخابات ۲۰۲۰، ترامپ به‌صورت شتاب‌زده توافق ابراهیم را به عنوان فاز اول معامله قرن اجرایی کرد که جز آمریکا، امارات و رژیم اسرائیل شریک دیگری نیافت. (مراکش و سودان عملاً بعد از روی کار آمدن دولت بایدن از توافق عقب نشستند.) هر چند دولت بایدن به این توافق علاقه‌ای نشان نداد، ولی عملاً این طرح خطرناک در قالب دو طرح ۱۲۰۲ و کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) ادامه یافت و قطعاً یکی از برنامه‌های اصلی ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری اش خواهد بود. کشورهای منطقه و در رأس آنها محور مقاومت و ایران، باید با آگاهی از این برنامه و اولویت، طرح‌ها و ایده‌های خود را طراحی و عملیاتی کنند. 



علیرضا میریوسفی

پژوهشگر ارشد
مطالعات آمریکا